مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهارم، شماره‌ی سیزدهم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۲۰-۱

جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار
مطالعه موردی: «زوار و حمل جنائز»

داریوش رحمانیان،* ثریا شهسواری**

چکیده

بعد از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم در ۱۲۶۳ق/ ۱۸۴۷م چنین به نظر می‌رسید اختلاف دو دولت ایران و عثمانی بر سر موضوع عتبات عالیات حل خواهد شد؛ اما رفت و آمد مداوم کاروان‌های زیارتی و حمل جنائز به عتبات عالیات مشکلات جدیدی را میان دو کشور ایران و عثمانی ایجاد کرد. انتقال جنائز به عتبات عالیات از سوی ایرانیان همواره با رفتار سخت و آزار دهنده مأموران عثمانی در مرزها همراه بود؛ بهانه‌ی دولت عثمانی در برابر این قبیل رفتارها با مسئله پیرامون شیوع بیماری وبا و تهدید آن برای ساکنان قلمرو عثمانی به دولت ایران پاسخ داده می‌شد.

در این مقاله تلاش شده است مشکلات ناشی از رفت و آمد کاروان‌های زیارتی و حمل جنائز به شهرهای مقدس عراق، میان دو دولت ایران و عثمانی بررسی، و بازتاب آن در روابط سیاسی دو کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: ایران، ارزروم، عثمانی، عتبات، قاجار.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران. (rahmanian@ut.ac.ir)
** دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور مرکز تهران. (sry_shahsavari@yahoo.com)
تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۱۱ ـ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۲/۱۷

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

مقدمه

سرزمین بین‌النهرین که امروزه از آن با عنوان کشور عراق یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین کانون‌های رقابت میان دو دولت ایران و عثمانی بود. پس از روی کار آمدن حکومت صفویه علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی، وجود مراکز عمده تشیع و قبور متبرکه امامان شیعه در عراق، همواره موجب بروز اختلاف بین دو کشور ایران و عثمانی می‌شد. رفت و آمد کاروان‌های زیارتی ایرانیان به عتبات عالیات، اقامت برخی از ایرانیان در این شهرها، حضور علما و مراجع تقلید در نجف اشرف و دیگر شهرهای مقدس عراق، ارسال موقوفات و نذورات، حمل جنائز و... از مسائل عمده چالش برانگیز میان دو کشور ایران (شیعه) و عثمانی (سنی) محسوب می‌شد؛ اختلافات مزبور گاه به زور شمشیر و اسلحه و گاهی از طریق مذاکراه و عقد پیمان‌ها و قراردادهایی میان دو دولت حل و فصل می‌شد. آخرین مورد از قراردادهای مزبور، عهدنامه‌ی ارزروم دوم بود که در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳/ ۱۲ مه ۱۸۴۷ منعقد گردید. بر اساس فصل هفتم این قرارداد، بنا شد دولت عثمانی؛ «امتیازات لازمه را درباره‌ی زوار ایران معمول دارد تا از هر نوع تعدیات مصون بوده و بتوانند در کمال امنیت، محال مبارکه که در خاک عثمانی واقع شده است را زیارت کنند. همچنین برای استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحادی که لازمه دولتین اسلام و تبعه طرفین است، دولت عثمانی تعهد می‌کند که مناسب‌ترین وسایل را به کار برد تا چنان که زوّار ایران در ممالک عثمانی از جمیع امتیازات متمتع باشد».[۱]

با امضای این عهدنامه چنین به نظر می‌رسید که اختلافات میان دو کشور ایران و عثمانی بر سر عتبات عالیات حل و فصل خواهد شد؛ لکن رفت و آمد مداوم زائران ایرانی و حمل جنائز به شهرهای مقدس عراق و مشکلات ناشی از آن، نزاع میان دو دولت ایران و عثمان را به صورت لاینحل باقی گذارد. به طوری‌که این مشکل تا اواخر حکومت قاجاریه و انقراض امپراطوری عثمانی ادامه داشت.

---

۱. آذرمیدخت مشایخ فریدنی، (۱۳۶۹)، *مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دوکشور*، تهران: امیرکبیر، صص ۶۰ـ۵۸.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

رفت و آمد کاروان‌های زیارتی

زیارت یکی از اعمال و مناسک دینی شیعیان است که در دین اسلام جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد. رفتارهای دینی مثل زیارت و عبادت در نزد مسلمانان به عنوان یک ارزش محسوب شده و نگرش‌های مثبت به زندگی را تشویق می‌کند. در چنین تجربه‌ای فرد خود را به معبودش وا می‌گذارد و خود را در ارتباط بسیار نزدیک با خدا دانسته امیدواری‌اش به کمک و یاری او افزایش می‌یابد.[۱]

از این‌رو از گذشته‌های دور، یعنی از زمانی‌که وجود پاک امامان شیعه در شهرهای مقدس نجف، کربلا، کاظمین، سامراء به خاک سپرده شد؛ شیعیان ایرانی علاقه‌مند بودند جهت زیارت مرقد پاک امامان شیعه به عراق عزیمت کنند. این موضوع طی دوره‌های مختلف تاریخی، یعنی زمانی‌که شهرهای مقدس عراق در تصرف حاکمان ایران بود مشکل ایجاد نمی‌کرد.

پس از روی کار آمدن حکومت صفویه عتبات عالیات و رفت و آمد کاروان‌های زیارتی به آن نواحی به دو دلیل نزد حاکمان ایران اهمیت بیشتری پیدا کرد. نخست این‌که تشیع مذهب رسمی ایرانیان شناخته شد و پیروان مذهب شیعه علاقه زیادی به مشاهد متبرکه امامان شیعه خود پیدا کردند و در واقع عتبات عالیات قبله‌ی دوم مسلمانان شیعه شناخته شد. دوم آن‌که پس از یک دوره‌ی طولانی درگیری و جنگ میان دو دولت صفوی و عثمانی شهرهای مقدس عراق از قلمرو ایران جدا شد و بخشی از خاک عثمانی قلمداد گردید، لذا رفت و آمد کاروان‌های زیارتی ایران به عتبات عالیات به نحوی با مسائل سیاسی ارتباط پیدا کرد و توجه حاکمان هر دو کشور ایران و عثمانی را نسبت به این موضوع برانگیخت.

در دوره‌ی قاجاریه حد متوسط تعداد افرادی که به‌طور سالانه به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند یک صد هزار نفر بود.[۲] اوژن اوبن این تعداد را چهارصد هزار نفر ذکر می‌کند.[۳] بر اساس گزارشی که حبل‌المتین در ذی‌الحجه ۱۳۱۸ ق داده است، روزی پانصد، ششصد نفر از زوار وارد و خارج شهرهای مقدس عراق می‌شوند.[۴] احتشام‌السلطنه کارپرداز ایران در

---

۱. بهروز دولتشاهی و هاجر پهلوانی، *«بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی فرد»*، فصلنامه نقد و نظر، س۱۰، ش۱، ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص۳۴۸.

۲. چارلز عیسوی، (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستر، ص۱۹۷.

۳. اوژن اوبن، (۱۳۶۲)، *ایران امروز (۱۹۰۷ـ۱۹۰۶)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص۳۸۶.

۴. حبل‌المتین، سال هشتم، شماره ۳۴، ۱۳۱۸ هـ .ق.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

بغداد (۱۳۱۴ـ۱۳۱۲ق) نوشته حدود صد هزار زائر ایرانی از اماکن مقدس عراق زیارت می‌کنند.[۱] این آمار در دوره‌های جنگ و صلح میان دولت‌های ایران و عثمانی متغیر بود. به عنوان نمونه، پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم، سیل حرکت زائران ایرانی به عتبات عالیات چند برابر شد، اما پس از آن‌که میان دو دولت ایران و عثمانی بر سر تحدید مرزها و مسئله قطور، اختلاف پیش آمد، به دلیل تعرضات مأموران عثمانی به زوار ایرانی، دولت ایران به مدت چهار سال رفت و آمد کاروان‌های زیارتی را به عتبات عالیات ممنوع اعلام کرد.[۲]

زائران ایرانی که به عتبات عالیات عزیمت می‌کردند چهار دسته بودند: دسته اول زواری که تنها به قصد زیارت شهرهای مقدس به خاک عراق سفر می‌کردند. افراد این دسته خود به سه گروه اغنیاء، متوسط‌الحال و فقیر تقسیم می‌شدند. طبقه اغنیاء که شامل شاهزادگان، مقامات دولتی یا خاندان سلطنتی می‌شدند، در طول سفر مخارج زیادی داشتند؛ در گزارشی که تامسون مأمور انگلیسی در بغداد به سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۵م ارائه داده است، هر کدام از اغنیاء به‌طور متوسط از خانقین؛ شهر مرزی ایران و عثمانی ـ مرز بین ایران و عراق کنونی ـ تا شهرهای مقدس و برگشت به خانقین دویست تا سیصد تومان خرج می‌کردند. حد متوسط مخارج زندگی این سه طبقه، نفری بیست تومان و یا به عبارت دیگر، کلاً دو میلیون تومان است.[۳]

دسته دوم بازرگانان و تجاری بودند که به بهانه زیارت، اما در واقع به قصد تجارت و داد و ستد راهی شهرهای مقدس عراق می‌شدند. زهیر لباف؛ صادرات نامرئی عراق را که رونق و شکوفایی بازارها را به دنبال دارد، حاصل مسافرت زوار ایرانی می‌داند که هر سال یک یا دو نوبت برای زیارت، تجارت و داد و ستد به این ناحیه روی می‌آوردند. حضور ایرانی‌ها از یک سو، ارز خوبی به همراه داشت و از سوی دیگر، بازرگانی داخل این منطقه را رونق می‌بخشید. خرج زائران ایرانی در عراق عرب، سالانه به‌طور متوسط ۵۰ میلیون دینار برابر ده میلیارد ریال تخمین زده شده است.[۴]

---

۱. میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه، (۱۳۶۹)، *خاطرات*، به کوشش سید محمدمهدی موسوی، تهران: زوار، ص ۳۵۰.

۲. محمود فرهادمعتمد، (بی‌تا)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*، ج۲، تهران: ابن‌سینا، ص۱۶۹.

۳. *تاریخ اقتصادی ایران*، ص۱۹۷.

۴. زهیر لباف، (۱۳۵۴)، *عراق و روابط آن با ایران*، تهران: علمی، صص ۳۰ـ۲۹.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

دسته سوم؛ حجاج ایرانی که علاقه‌مند بودند به هنگام عزیمت به مکه معظمه در مسیر خود عتبات عالیات را زیارت کرده، سپس به مکه مشرف شوند. این گروه از زوار بیشترین مشکلات را در طی مسیر متحمل می‌شدند، زیرا راه نجف به مدینه که به راه «جبل» معروف است بسیار سخت و ناامن بود. نویسنده‌ی کتاب *تیراجل*، از مشکلات این راه چنین می‌نویسد: «هر سال چندین هزار نفر تبعه دولت علیه ایران از اعیان و اشراف و علما و تجار و غیره اسیر عرب برهنه بی‌سروپایی است که از این راه [جبل] که معمول‌تر و نزدیک‌تر است راهی مکه مکرمه می‌شوند. هر دزدی با ایشان آنچه می‌خواهد بنماید و هرگز کسی در فکر آن نیست.»[۱] او در ادامه می‌افزاید: «اگر این تعدیات و بی‌حسابی‌ها از این راه برداشته شود، قوانین و شروطی بین دو دولت [ایران و عثمانی] مقرر شود، این راه بهترین راه است به سمت مکه...»[۲]

مسافرت جهت زیارت اماکن متبرکه برای زوار ایران از دو راه؛ یکی از راه خسروی و دیگری از راه خرمشهر ممکن بود. برای زائرانی که در مناطق جنوبی ایران سکونت داشتند، راه آبی خرمشهر به بصره نزدیک‌تر و ارزان‌تر بود. مسیر خشکی که همان راه کرمانشاه ـ خسروی است، عموماً برای زائران شمال، غرب و مرکز ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت. از خصوصیات بارز راه خسروی به عتبات عالیات، مشکلات و دشواری‌های زیادی است که زوار ایرانی طی حرکت در این مسیر متحمل می‌شدند؛ علاوه بر فشارها و تعرضات مأموران عثمانی در مرز مابین ایران و عثمانی در خصوص دریافت گمرک و تذکره[۳] از زوار ایرانی مسئله بهداشت را نیز باید در نظر داشت که موجب می‌شد کاروان‌های زیارتی به مدت چندین روز در قرنطینه نگه‌داشته شوند. در نامه‌ای که کنسولگری ایران در بغداد به وزارت امور خارجه نوشته از بازدید مکرر مأموران عثمانی از کاروان‌های زیارتی ایران و دریافت چندین نوبت گمرکی از آنان شکایت کرده است: «یکی از ذلت‌های بزرگ ایران این است که وقت ورود به خانقین اشیاء و اموال آنها را گمرک کرده نوشته به دست آنها می‌دهند. مع ذالک باز در قزلرباط و شهربان به اسم معاینه که مبادا چیزی از گمرک

---

۱. رسول جعفریان، (۱۳۷۳)، *میراث اسلامی ایران*، ج۳، قم: کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، صص۱۲ـ۱۱.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. تذکره یا برگه عبور که پیش‌طرح گذرنامه‌های مدرن بود.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

گریزانده باشند حین ورود جلو آنها را گرفته بار و بند را بر روی هم ریختـه حتـی جـوف کجاوه‌ها و بقچه‌ها، لباس زنانه و مردانه آنها را معاینه می‌کنند و این فقـره زحمـت بزرگـی برای زوار و اسباب افتضاح است. یک مرتبه هم در ورود به کاظمین در سـر جسـر معظـم معاینه می‌کنند و گمرک دریافت می‌کنند». [۱]

بی‌نظمی و عدم نظارت دقیق از سوی کارگزاران عثمانی درباره مسئله گمرک، مشکلات زیادی را برای زوار ایران ایجاد می‌کرد و این مورد موضوع تلخی بـود کـه همـواره مـورد شکایت دولت ایران به دولت عثمانی قرار می‌گرفت. بیشتر اوقـات مـأموران عثمـانی، هـر مقدار که تمایل داشتند از زائران، گمرک دریافت می‌کردند. مولف کتاب *حدیقـه ناصـری و مرآت مظفری* می‌نویسد: «در این رفت و برگشتن زوار به عتبات، مباشرین دولـت عثمـانی در کمال بی‌انصافی با آنها حرکت و رفتار می‌کنند پنجاه و چهار نفر به امضای باش شهبندر عثمانی از هر یک نفر که تذکره به او داده می‌شود یازده هزار که یک تومـان و یـک هـزار باشد دریافت می‌نماید و از این قبیل پولها به اسامی مختلف بسیار از آنهـا مـی‌گیرنـد اگـر شرح ایذاء و آزار و سختگیری مباشرین و مأمورین عثمانی را به رشته تحریر درآورم کـوه به زبان و صدا درآید. همین قدر می‌نویسم که بدبختی و ابتذال اهالی ایران در این مسافرت به علاوه رفتن جان و مال بیش از اندازه تقریر و تحریر است و این مطلب چاره‌پـذیر هـم نمی‌شود نه خدا رحمی به مباشرین و کارگزاران دولت عثمانی می‌دهـد کـه دسـت از ایـن بی‌انصافی و حالت وحشیانه نسبت به زوار و اماکن مشرفه بردارند و نه غیرتـی بـه اهـالی ایران عطا می‌فرماید که ترک این مسافرت را نماید و به اعتقاد نگارنده بهشت جاویـد ایـن ابتذال به چند روز مسافرت نمی‌ارزد». [۲]

دولت ایران در مقابل بدرفتاری مأمورین عثمانی با زوار ایرانی و دریافت مبالغ زیـادی از آنان بابت گمرک و تذکره سکوت اختیار نکرد. در ۱۲۹۱ق کنسولگری ایران در بغداد به وزارت امور خارجه نامه‌ای نوشته و در آن از «رفتار معروف» مـأمورین عثمـانی بـا زوار ایرانی که متجاوز از صد هزار نفر در سال می‌باشند و از هر کدام پنج هـزار قـران بـه اسـم

---

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، کارتن ۱۴، سند شماره ۱۰۹، سال ۱۳۱۶ هجری قمری.

۲. وقایع‌نگار کردستانی، (۱۲۸۴)، *جغرافیا و تاریخ کردستان، حدیقه ناصری و مرآت المظفر*، بـه کوشـش محمدرئوف توکلی، بی‌جا: توکلی، صص ۳۲۲ـ۳۲۱.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

گمرک و تذکره دریافت می‌کند و هر سال مبالغ سنگینی از این بابت عاید دولت عثمانی می‌شود، شکایت کرد.[۱]

در مقابل اعتراضات سران دولت ایران نسبت به بدرفتاری مأموران عثمانی به زائران ایرانی، مذاکراتی میان محسن‌خان مشیرالدوله سفیر ایران در استانبول و محمد راشد نماینده دولت عثمانی در استانبول صورت گرفت. در نتیجه‌ی این مذاکرات، قراردادی در دو نسخه ترکی و فارسی تنظیم شد که سواد هر دو متن موجود است. بر اساس این قرارداد که به تاریخ ۲۱ ذی‌قعده ۱۲۹۱/ ۱۸۷۴م منعقد گردیده قرار شد «اتباع ایران که مأموریت رسمی به ممالک عثمانی ندارند و فقط به جهت سیاحت و زیارت به خاک آن کشور تردد می‌کنند از اصول پاسپورت و تذکره مرور و نظارت قرنطینه که در حق سایر تبعه خارجی مرعی‌الاجراء است معاف باشند و انجام این عمل خللی به تبعه خارجی بودن آنها از این جهت وارد نخواهد کرد.»[۲] اگر چه سران دولت عثمانی پذیرفتند تذکره و گمرک را از زوار ایرانی لغو کنند، لکن این تعهد را همانند سایر تعهداتشان درباره‌ی امور زوار هیچ‌گاه عملی نکردند، بطوری‌که در۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۴م سفیر ایران در استانبول به وزارت امور خارجه عثمانی نوشت: «اولین ادعای این است در حالیکه زوار ایران در حین عزیمت در ممالک ایرانیه از بذل تذکره و مرور معاف هستند در خاک عراق از غنی و فقیر و پیاده و سواره نفری هشت قروش می‌گیرند و در این بین به بهانه وارسی به تذکره آنها، زوار را از راه بازداشته و کم و بیش پول گرفته رها می‌نمایند و حرکات پر از اذیت واقع می‌شوند».[۳]

رفت و آمد کاروان‌های زیارتی موجب رونق و پویایی اقتصاد ایالت بغداد می‌شد. روزنامه اختر می‌نویسد: «کارگزاران دولت عثمانی باید مقدم این مسافران را که برای خرج کردن پول خودشان وارد مملکت عثمانی می‌شدند گرامی دارند ولی از آنان در نهایت بی‌احترامی پذیرایی می‌کنند و بی‌قاعده سختگیری می‌نمایند».[۴] آنچه بر سخت‌گیری

---

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، کارتن ۱۴، شماره سند ۱۸۵، ۱۲۹۱ هجری قمری.

۲. واحد نشر اسناد (به کوشش)، (۱۳۶۹)، *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی*، ج۳، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص۵۳۹ـ۵۳۸؛ غلامرضا طباطبایی مجد، (۱۳۷۳)، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره‌ی قاجاریه*، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار، صص۳۹۸ـ۳۹۳.

۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۱، پرونده ۸، سال ۱۳۱۶ هـ .ق.

۴. اختر، س۱۵، ش۲۱، سال ۱۳۰۶ هـ .ق.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

مأمورین عثمانی نسبت به زائران ایرانی عتبات عالیات می‌افزود، وحشت دولت عثمانی از گسترش نفوذ شیعیان در شهرهای مقدس عراق عرب بود. سلیم درینگیل می‌نویسد: «نگرانیهای حکومت عثمانی نسبت به جمعیت اتباع شیعه باعث می‌شد که حاکمان عثمانی مدام در فکر محدود کردن حرکت زائران ایرانی و همچنین محدود کردن زمان اقامت آنها در عتبات باشند».[۱]

در سال ۱۳۱۲ق/ ۱۸۹۴م والی بغداد از استانبول درخواست کرده بود تا شیخ محمد اسعدی افندی مفتی سنی را، به عنوان مدرس به عراق بفرستد تا او بتواند مقابل تلاش‌های آیت‌اله میرزا حسین شیرازی و سایر روحانیون شیعه برای گسترش تشیع بایستد و پاسخ‌گو باشد.[۲] حساسیت دولت عثمانی نسبت به گسترش شیعیان عراق بر اثر رفت و آمد ایرانیان به عتبات و نفوس روز افزون آنان گاهی اوقات با تنبیه مقامات و کارگزاران عثمانی در بغداد مواجه می‌شد. این امر در واقعه‌ای که در ۱۰ مارس ۱۹۰۷م/ ۱۳۲۴ق به ثبت رسید، به گونه‌ای چشم‌گیر مشهود است. در این تاریخ، مرگ مظفرالدین شاه در ایران از مناره‌های مسجدی در جوار حرم امام موسی کاظم علیه‌السلام در کاظمین از سوی مقامات رسمی شیعه دولت عثمانی به اطلاع عموم رسید، که با واکنش سخت وزارت داخله عثمانی مواجه و تنبیه مقامات مزبور درخواست شد.[۳]

حافظ حضور گسترده ایرانیان در عتبات عالیات، فقط علما و مجتهدین عالی مقام ایران نبودند، بلکه شاهزادگان قاجار، بازرگانان، طلاب حوزه‌های علمیه شهرهای مقدس نجف و کربلا و زائران ایرانی که مرتب در رفت و آمد بودند و نیز گاهگاهی اقامت طولانی می‌گزیدند، بودند. لذا دولت عثمانی از زمان انجام اصلاحاتی که بعد از تنظیمات شروع شد، تمرکز اداری‌اش بر ایالت بغداد و شهرهای مقدس عراق عرب بیشتر گردید. حتی نسبت به نگهداری حرم‌های مطهر امامان شیعه در عتبات توجه خاص نشان داد. اشاره شده در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۸۹۰م سلطان عبدالحمید دوم دستور داد «که آرامگاه امام حسین علیه‌السلام در کربلا به تعمیر نیاز دارد، زیرا وضعیت نامطلوب آن با اعتبار و شأن خلیفه همخوانی

---

۱. سلیم درینگیل، *«مبارزه با تشیع در عراق دوران عبدالحمید دوم»*، (بررسی مورد سیاست ضد تبلیغی عثمانی)، ترجمه نصرالله صالحی، نامه تاریخ پژوهان، س۱، ش۲، ۱۳۸۴، ص۱۳.

2. Centinsoya, Gokhan, Ottoman Administration of Iraq, 1890-1908, New York, by Routledge, pp.108-109.

۳. *«مبارزه با تشیع در عراق دوران عبدالحمید دوم»*، ص۲۸.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

ندارد.»[۱] این اقدام حاکمان عثمانی در عتبات در راستای انجام اصلاحات عمرانی نبود، بلکه کشمکش میان پادشاهان ایران و سلاطین عثمانی برای کسب اعتبار نزد مردم محلی شهرهای مقدس عراق و مقابله با نفوذ شیعیان در عتبات عالیات قلمداد می‌شد.

نگرانی عثمانی در عتبات عالیات زمانی شکل حادتری به خود گرفت که بخش زیادی از جمعیت عشایری و بادیه‌نشین عراق عرب تحت نفوذ علمای شیعه عتبات قرار گرفتند. در این هنگام، دولت عثمانی درصدد اقدامات پیشگیرانه برآمد. بنا بر گزارشی «از والی بغداد خواسته شد مدارس جدید سنی در شهرهای مقدس عراق احداث شود مدارس موجود نیز توسعه و احیاء شود. تعدادی از علمای سنی در آرامگاههای امامان شیعه در عتبات و مدارس ساکن شده تا وعظ نمایند و مذهب تسنن را گسترش دهند...»[۲] دولت عثمانی در راستای این اقدامات حقوق و مقرری هر کدام از معلمان و مبلغان مذهب تسنن در عراق را تا ۱۵۰۰ قروش افزایش داد.[۳]

حمل جنائز

زیارت مرقد امام علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در نجف و کربلا برای شیعیان دارای همان درجات و توفیقاتی است که در زیارت مکه معظمه نصیب آنها می‌شود. چنان‌که امکان زیارت این بقاع متبرکه در زمان حیات آنان مقرر نگردد آرزوی قلبی و نهانی هر شیعه است که پس از مرگ در جوار مشاهد متبرکه ائمه شیعه در عتبات عالیات تدفین گردد.

اما قرار گرفتن اعتاب مقدسه در خاک عثمانی، حمل جنائز از سوی کاروان‌های ایرانی جهت تدفین در آن محل و مشکلات متعدد ناشی از آن، روابط دو کشور ایران و عثمانی در عهد قاجار را پیچیده کرده بود. تلاش مضاعف ایرانیان شیعه در سده ۱۹م برای تدفین مردگان خود در عتبات، حمل اموات را نه تنها به تجارتی پر سود تبدیل کرده بود، که موجب بروز تنش میان مقامات ایران و عثمانی، همچنین اتباع شیعه عثمانی [در عراق] و دولت عثمانی شده بود.[۴] جنازه‌ها و استخوان‌هایی که کاروان‌ها همراه با مراسم مذهبی،

---

۱. همان، همان جا.

2. Cetinsoya, op. cit, p.104

3. Ibid, p.105

۴. عبدالله فهد نفیسی، (۱۳۶۴)، *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: امیرکبیر، صص ۶۲ـ۶۱.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

تشریفات لازم، تحت شرایط و محدودیت‌های مربوط به این اماکن مقدس بـا خـود حمـل می‌کردند از یک سو، بانی ارتباط و پیوند حکومت و جامعه‌ی شیعه ایـران بـا اتبـاع اهـل شیعی عثمانی شده و از سوی دیگر، موجب اختلاف و درگیری میـان حکومـت عثمـانی و دولت ایران می‌شد.

پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم، انتقال جنـائز از ایـران بـه عتبـات عالیـات توسـط کاروان‌های زیارتی، افزایش چشمگیری را به همراه داشت. بر اساس گزارشی که کارپرداز ایران در بغداد در ۱۲۹۰ش ارائه داده است، آن سال ۲۰ هزار جنـازه از ایـران بـه عتبـات آورده‌اند که از این ممر ۱۲ قران در خانقین، و برای دفن در قبرستان‌های عمـومی کـربلا و نجف ۸ الی ۱۴ قران از هر جنازه اخذ می‌شد.[۱]

صرف‌نظر از پولی که از طریق حمل جنائز به عتبات عالیات، عاید دولت عثمانی می‌شد مسئله بهداشت و معضل جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری نظیر وبا، حساسیت موضوع را چند برابر می‌کرد. عدم رعایت بهداشت از سوی کاروان‌هـای زیـارتی در حـین حمـل اموات (میت تازه فوت شـده) و نیـز طـولانی بـودن مسـیر و گرمـای هـوا موجـب رواج بیماری‌های مسری چون وبا می‌شد. گذشته از این، زوار ایرانی با عزیمت به عتبات عالیات برخی از بیماری‌های واگیردار را با خود به آن سرزمین برده، گاهی اوقات نیز زائران ایرانی به بیماری‌های رایج در عراق عرب مبتلا شده و آن را با خود به ایـران آورده و در کشـور منتشر می‌کردند. به عنوان نمونه، وبایی که در ۱۲۹۴ق / ۱۸۷۷م در عراق به دلیل آلـودگی آب فرات پدید آمد، سبب شد برخی از ایرانیانی که مدام به این سـرزمین در رفـت و آمـد بودند مبتلا به این بیماری شوند.[۲]

هانری بایندر در سفرنامه‌اش از حمل دسته‌جمعی جنازه توسط زوار ایرانی و مشکلات ناشی از آن طی مسیر می‌نویسد: «به منظور حمل جنازه‌ها هزاران کاروان تشکیل یافتـه از دورترین نقاط ایران روان می‌کردند. اجساد را یا در تابوتهای چوبی گذاشته، یا فقط آنرا در پوشال یا فرش پیچیده هر دو سه یا چهار جسد به هم بسته بر پشت اسب حمل مـی‌کننـد. در زیر این آفتاب سوزان بوی غیرقابل تحملی که از این اجساد جدا می‌گردد، در طی یک

---

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، کارتن ۱۱ سـند شـماره ۱۶۲، سـال ۱۲۹۰هـ.ق.

2. R.M. Burrell, "The 1904 Epidemic of cholera in Parsia: some Aspects of Qajar society, pp.18-22. (stable url: http://www jstor.org)

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

سفر چندین هفته‌ای شنیده می‌شود چون بسته‌های بار، این لاشه‌ها را در هر منزل پیاده کرده و دوباره بار می‌کنند. این کاروان‌های مرده معمولاً در پنج یا شش کیلومتری دهات، اطراق می‌کنند ولی با وجود بر این، هوای گرم آنها را مسموم می‌سازند. در هر جا که توقفی کنند آن مکان تا شب متعفن می‌گردد».[۱]

اوژن اوبن از کثرت انتقال جنائز به عتبات عالیات در عهد قاجار می‌نویسد: «در میان راه هر مسافری، بارها با قاطرچیهایی مواجه می‌شود که چهار تابوت به یک قاطر بار کرده‌اند و خود نیز روی آن سوار شده و یا جسدها را لای نمدی پیچیده و همین‌طور برای دفن در یکی از مکان‌های مقدس به مقصد عراق حمل می‌کنند».[۲]

مشکل عمده‌ی دو دولت ایران و عثمانی در انتقال جنائز به عتبات، جنبه‌های بهداشتی آن بود که این مسأله را به مشکلی بین‌المللی تبدیل کرد و این رسم را برای همیشه تغییر داد.[۳] کارگزاران عثمانی در جهت جلوگیری از شیوع هر نوع امراض در خاک امپراطوری‌اشان سیستم قرنطینه را در مرزهای ایران و عثمانی ایجاد کردند. کلیه زوار ایرانی بایستی چندین روز در این مکان‌ها نگهداری می‌شدند، پزشکانی از سوی هر دو دولت بر انجام خدمات بهداشتی و معاینه گماشته می‌شدند.[۴] در قرنطینه به زوار لباس‌های

---

۱. هانری بایندری، (۱۳۷۰)، *سفرنامه*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرا، ص۳۸۲.

۲. *ایران امروز*، صص ۳۴۰ـ۳۳۹.

۳. در سال ۱۲۵۳ق/ ۱۸۳۷م. بلافاصله پس از شیوع اولیه بیماری وبا در استانبول، اولین ایستگاه‌های قرنطینه در اطراف شهر تأسیس شدند. پانزده سال بعد در ۱۲۶۸ق/ ۱۸۵۲م کمیسیون عالی قرنطینه (Higher commission of Quarantine) و دیوان عالی قرنطینه (Higher Quarantine Bureau) تأسیس شدند سپس سلطان عثمانی از دولت اتریش خواست که برای کمک به ایجاد ایستگاه‌های قرنطینه در سراسر استان‌های عثمانی، عده‌ای از نیروها و مقامات با تجربه در امر قرنطینه و قرنطینه‌سازی را به عثمانی اعزام کند و با مشارکت قدرت‌های اروپایی، شورای بهداشت قسطنطنیه (Constantinople council of Health) تأسیس شد و نمایندگان اروپا در شورا برای رسیدگی به شکایات مکرر از کشورهای اروپایی، جزو آن شورا، قرار گرفتند. (نک: صبری آتش، «*نعش‌کشی به عتبات: رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی*»، ترجمه نازلی کاموری، ایران‌نامه، س۲۰۱۰، ش۲-۱) مشخصات اصلی مقاله بدین شرح است:
ABRI Ates "Bones of contention: Corpse Traffic and ottoman Iranian, Rivalry in studies of (south Asia, Africa and the middle 30:3 (2010), 512-532.

۴. در سال ۱۳۱۸ق معتمد السلطان احتشام الحکماء از سوی دولت ایران برای بررسی وضعیت بهداشتی زوار و جنائز به قصر شیرین اعزام شد؛ نک: (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۱، پرونده ۸، سال ۱۳۱۸ هـ.ق.)

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

مخصوص داده و لباس‌های خودشان را در دستگاه‌ها ضد عفونی می‌کردند. به مدت چند روز که مشخص می‌کردند، اجازه خروج داده نمی‌شد، تنگی جا، عدم نظافت درست و طول مدت قرنطینه که معمولاً ۱۵ روز طول می‌کشید از عواملی بود که اعتراض زوار و کارگزاران دولت ایران را در پی داشت.

میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سفیر ایران در اسلامبول نامه‌ای به دولت ایران نوشته و به این قبیل رفتار نادرست و غیراخلاقی مأموران عثمانی اشاره کرده است: «... بعد از ورود به گمرک به قدری درباره‌ی زوار که اکثر آنها مردمان معتبر و با شأن می‌باشند هتک احترام می‌نمایند که مافوقی بر او متصور نیست، مثلاً البسه زنانه را که فیمابین مسلمان اصل و ناموس محسوب می‌شود علی عیون التهامی باز کرده انواع حقارت وارد می‌آورند به همین قدر اکتفاء نکرده عمله گمرک‌خانه به اعتقاد خودشان از برای حفظ احتیاط دست زیر چادر نساء محترمات برده سینه و پشت آنها را تفحص می‌نمایند و اسم این حرکت رذل و رکیک را حفظ انتظام منافع گمرک قرار می‌دهند. سپس به جنازه مسلمین و مسلمات که به جهت حمل به اماکن مشرفه عراق عرب وارد می‌شوند به جهت اخذ و جلب نفع خودشان از صاحبان جنازه، میخهای آهنی در دست گرفته بسر جنازه آمده، اولا از قوطی ایرادات می‌گیرند و بعد جنازه را از قوطی بیرون آورده از کفن خارج نموده چند مرتبه از آن میخها به بدن میت به بهانه اینکه معلوم بشود از امراض مسریه و امراض عادیه فوت نموده است فرو کرده اگر صاحب جنازه حاضر است مخفیاً وجهی گرفته اجازه حمل می‌دهند والا سی چهل جسد میت را در گودالی ریخته و قدری خاک به سر آنها می‌ریزند. و این نوع حرکات است که قلوب یک ملت را نفرت می‌دهد و محبت فطری را مبدل به دوات می‌نماید».[۱]

بهانه دولت عثمانی در این گونه برخورد با جنائز ایرانی، رعایت بهداشت و جلوگیری از ورود هرگونه امراض به خاک عثمانی بود. لذا کارگزاران هر دو دولت ایران و عثمانی درصدد چاره‌جویی برآمدند تا این‌که در شوال ۱۲۸۷ق/ فوریه ۱۸۷۰م قراردادی میان سفیر ایران، حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله و والی بغداد، مدحت پاشا منعقد شد که بر اساس این قرارداد، بنا شد: «من بعد جنازه‌هایی که بر حسب عادت از ممالک ایران به عتبات عالیات حمل می‌شد چون آوردن آنها در صورتیکه هنوز در حال میت است نظر

۱. *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*، صص ۶۹ـ۶۸.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

حفظ الصحه موجب بعضی مضرات است لهذا قرار داده شد که کسانی کـه در ایـران وفـات می‌کنند تا سه سال از زمان دفن آنها در قبرستان محل فوت نگذرد هیچ‌یک از جنازه‌هـای آنها از حدود ممالک دولت عثمانی عبور داده نخواهد شد. نیز قرار داده شد کـه محـل ایـن قبیل نعشها، تاریخ دفن ثبت شده و آنها را که می‌خواهند حمل نمایند بعـد از انقضـای سـه سال، قبرشان نبش شده و برای حمل استخوانها استشهادنامه رسمی داده شود. نیز قرار داده می‌شود که در ظرف سه ماه از تاریخ این مقاوله نامه هیچ جنـازه از ممالـک دولـت علیـه ایران عبور داده نشود و جنازه یا نعشهایی که در حال استخوان آورده می‌شوند حاملین آن استشهادنامه که مبین انقضای سه سال از تاریخ وفات آنان باشد در دسـت داشـته باشـند و نعشهایی که چنین استشهادنامه ندارند از جانب مـأمورین طـرفین عبـور و دخـول آنهـا از حدود ممانعت شود و هرگاه آمده و بخواهند عبور نمایند آنهـا را پـس فرسـتاده و اعـاده دهند».[۱]

بر این اساس، دولت عثمانی تا ۱۲۹۲ق/ ۱۸۷۵م در نقـاط اصـلی ورود کـاروان‌هـای زیارتی و حمل جنائز به مرزهای خانقین، قصر شیرین و بصره چهـار ایسـتگاه قرنطینـه و آسایشگاه‌های متعدد ساخت.[۲] نظارت بهداشتی مأموران دولـت عثمـانی معاینـه و تفتـیش آن‌ها از زائران ایرانی و جنائز، مشکلات دو دولت را حل نکرد و منشأ شکایت جدید شد؛ زیرا بسیاری از کاروان‌های حامل جنائز از راه‌های غیرقانونی و قاچاق، اجسـاد مردگـان خود را بلافاصله بعد از فوت به عتبات عالیات منتقل می‌کردند. در گزارش کارپرداز ایـران در بغداد به وزارت امور خارجه، از این اقدام ایرانیان شکایت شده و بیان کـرده بـا وجـود آن‌که قرادادی میان دولت‌های ایـران و عثمـانی در خصـوص حمـل جنـائز منعقـد شـده، صاحبان جنائز رعایت این اصول را نمی‌کنند و حتی در صندوق‌های مغبوط حمل نمی‌کنند. لذا حکیم پس از معاینه اجازه نمی‌دهد و معمولاً تقصیر خود حمل کنندگان است.[۳]

البته انتقال جنازه‌ی برخی از اعضای خانواده سلطنتی و شخصیت‌های برجسته، هماننـد انیس‌الدوله ـ همسر ناصرالدین شاه ـ بلافاصله پـس از فـوتش بـه عتبـات بـدون در نظـر گرفتن قرارداد فوق صورت می‌گرفت.[۴]

---

۱. *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره‌ی قاجاریه*، صص۳۶۲ـ۲۶۱.

۲. «*نعش‌کشی به عتبات...*»، ص۸۱.

۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۱۴، شماره سند ۲۲۴، تاریخ سند ۲۹ ذیحجه ۱۲۹۶.

۴. همان، کارتن ۶، پرونده ۱۱، ذی‌قعده ۱۳۱۹.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

مأموران عثمانی در قرنطینه خانقین به مدت چند روز جنازه‌ها را نگه می‌داشتند و بیشتر اوقات جنائز به این دلیل که سه سال از تاریخ فوت آنها نگذشته اجازه ورود به خاک عثمانی را نمی‌دادند و نیز باید جنائز در صندوق مخصوص گذارده می‌شد؛ در غیر این صورت، مأمورین عثمانی یا دستور بازگشت جنازه‌ها را می‌دادند و یا آنها را به صورت دسته‌جمعی در گوری می‌ریختند. گاهی اوقات در جنازه‌هایی که علائم بیماری چون طاعون و وبا ظاهر می‌شد. مأموران عثمانی آنها را می‌سوزاندند. این اقدام مأمورین عثمانی علاوه بر این‌که مورد اعتراض دولت ایران واقع می‌شد حتی علمای عتبات نیز نسبت به این قبیل رفتار مأمورین عثمانی اعتراض می‌کردند.[۱]

شکایت دیگر ایران از دولت عثمانی مالیاتی بود که کارگزاران عثمانی به بهانه‌های مختلف از جنائز می‌گرفتند. مقدار پولی که مأمورین عثمانی از بابت قرنطینه جنائز و اعطای شهادت‌نامه[۲] از زائران می‌گرفتند متفاوت بود. مؤلف کتاب *مشکوةالمسافرین* ۵۰۰۰ دینار بیان کرده است.[۳] مؤلف مجهول *روزنامه وقایع سفر کربلای معلی* سه هزار تومان ذکر کرده.[۴] مقدار پولی که مأموران عثمانی از صاحبان جنازه‌ها دریافت می‌کردند «مالیات بهداشتی» نام داشت، که در سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۶م در قوانین گمرکی بهداشت در امپراتوری عثمانی به تصویب رسید و بنا شد از هر جنازه به میزان ۵۰ پیاستر[۵] (قروش) و از هر زائر/ مسافر ده پیاستر دریافت شود.[۶]

اما اجرای این قانون توسط مأمورین عثمانی در مرزها با اصل آن منافاتی داشت؛ به عنوان نمونه، در نامه‌ایی که کنسولگری ایران در بغداد به وزارت امور خارجه نوشته، از دریافت مالیات‌های مکرر از زوار و صاحبان جنائز به بهانه‌های مختلف شکایت کرده است

---

۱. *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی*، ج۵، ص۴۰، تاریخ سند ۱۳۱۷ هجری قمری.

۲. پزشک عثمانی در مرز پس از آن‌که سلامت جنائز را تأیید کرد بر صندوق مهر می‌زدند سپس صاحب جنائز نزد شهبندر رفته، شهبندر سه قران پول می‌گرفت و شهادت‌نامه برای حمل جنازه صادر می‌کرد و این شهادت نامه را یکی ۴۰ قروش (نوعی پول نقره‌ای در عهد عثمانی؛ معادل چهل پاره بود. پاره نیز نوعی مقیاس پول در عثمانی بود. هر سی پاره برابر با صد دینار معزی بود.) تمبر می‌زدند.

۳. علی اکبر مشکوة السلطان، (۱۳۷۶)، *مشکوةالمسافرین*، به کوشش هاشم محدث، تهران: میراث اسلامی ایران، صص۵۳ـ۵۱.

۴. *میراث اسلامی ایران*، ص ۵۷

۵. نوعی پول خاص دولت عثمانی بود.

۶. *«نعش‌کشی به عتبات...»*، ص۸۳..

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

و از سفیر ایران در استانبول می‌خواهد که با کارگزاران دولت عثمانی مذاکره شود تا جلوی این بدعت را بگیرند: «... بااینکه جنائز در کرمانشاهان به مهر طیب صحیحه عثمانی می‌رسید و بیست و یک قران هم پول می‌دهند. مجدداً جنائز را در خانقین باز نموده و در کمال بی‌ادبی و بی‌احترامی مهر ولاک طیب صحیحه کرمانشاهان را می‌شکنند و هر جنازه بیست و پنج هزار پول می‌گیرند. ثانیاً مهر و لاک می‌نمایند. همین طور دم دروازه کربلا چنین زحمت و ضروری می‌دهند و بیست و پنج هزار دیگر می‌گیرند...»[۱]

چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، بهانه مأمورین دولت در اخذ این قبیل پول و مالیات ظاهراً برای حفظ مسائل بهداشتی و امنیتی و عملاً به خاطر سود و منافع مادی بود. دولت عثمانی در برابر شکایات و اعتراضات دولت ایران نسبت به اخذ مالیات زیاد از جنائز و زوار ادعا می‌کرد که ساخت و نگهداری ایستگاه‌های قرنطینه که در آنها پزشکان و دیگر کارکنان اداری و گمرکی کار می‌کنند بسیار پرهزینه است و در مواقعی دفترهای مرز ایران ـ ترک دچار کسری بودجه می‌شوند.[۲]

با وجود سخت‌گیری مرتب و مالیات‌های سنگینی که از زوار و صاحبان جنائز دریافت می‌شد، سیل مسافرت ایرانیان به عتبات هر سال افزایش صعودی داشت. بر اساس گزارش «بخش ترازنامه‌های آماری تعرفه‌های گمرک و بهداشت و درمان امپراطوری عثمانی» به‌طور متوسط شمار زائران از ۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۸م تا ۱۳۳۲ق/ ۱۹۰۴م، ۴۸۶۷۲ و تعداد جنائز ۶۲۵۵ بوده است.[۳] مالیات ناشی از درآمد این سال‌ها آنقدر مازاد بود که دولت عثمانی آن را به بخش‌های مختلف بودجه‌ی کل کشور، چون بودجه‌ی بازنشستگی منتقل می‌کند. در این سال‌ها برخلاف علاقه شیعیان ایرانی برای انتقال جنائز خود به عتبات عالیات و دفن آنها در آن بلاد، اکثر شیعیان هندی تمایل داشتند تا پیکر بستگان خود را به مشهد رضوی در خراسان منتقل و در آنجا مدفون سازند.[۴]

---

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۷، پرونده ۲۳، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۰.

۲. *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ص۶۳.

۳. همان به نقل از: آمار و اسناد اداره بهداشت در کتابخانهٔ BOA در استانبول:

(Administration Sanitaire del'Empire Ottoman Bilans at statistiques (the sanitary administration of ottoman Empire: Inventory and statistics) vol.1, 1 Mars 1872 au 22 Fevrier 1884 and vol.2, 1 Mars 1899-29 Fevrier 1904, Lconstantinople: Typographie et lithographie centrales)

۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۱، پرونده ۸، ۱۳۱۸ هجری قمری.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

شکایت دیگر صاحبان جنائز و زائران ایرانی، دریافت وجوهات متعدد جهت کفن و دفن اموات و قیمت بالای زمین بود. بر اساس نوشته دیلک قایا قیمت قبرها و مبالغی که جهت تدفین از صاحبان جنائز گرفته می‌شد، بر طبق شهرهای عتبات و جایگاه موجود در آن شهر تعیین می‌شد، این بدان معناست که میزان قیمت قبرهایی که در نجف اشرف و کربلا در نظر گرفته می‌شد متفاوت بود، همان‌طور که میزان مالیات با توجه به دوری و اهمیت آن منطقه متغیر بود.[۱]

تدفین جنائز در رواق حرم امام علی علیه‌السلام در نجف اشرف تا ۵۰ هزار قروش طلا بود.[۲] علاوه بر آن، گاهی اوقات حاکمان شهرهای عتبات عالیات از دولت ایران نیز عوارضی جهت تدفین جنائز ایرانی دریافت می‌کردند. به طور نمونه، حاکم شهر نجف برای اجازه تدفین اجساد ایرانی در قبرستان‌های این شهر پانصد تومان از دولت ایران دریافت می‌کرد تا مجوز لازم را صادر کند.[۳] علاوه بر این هزینه‌ها، هزینه‌ی کفن و دفن اموات را نیز باید اضافه کرد که بین ۱۰ تا ۲۰ تومان بود وگاهی اوقات حتی از این هم بیشتر تعیین می‌شده است.[۴] بی‌جهت نیست که دولت عثمانی در اواخر حکومت خود، مسأله حمل جنائز و تدفین را کاملاً تحت نظارت خود قرار داد، و بهره‌برداری از وجوه کفن و دفن را به اوقاف یا سازمان عمران واگذار کرد. سازمان اوقاف نیز جمع‌آوری و عوارض کفن و دفن، تدفین مردگان در قبرستان‌های عتبات را به مزایده می‌گذاشت و حق اجرایی جمع‌آوری این مالیات را به بالاترین پیشنهاد، به تجار محلی برای دوره‌های معینی واگذار می‌کرد. تجار نیز جهت افزایش درآمد خود، مأموران خود را به شهرها و روستاهای ایران می‌فرستادند، جنازه‌ها را جمع‌آوری کرده، سپس به شهرهای زیارتی عتبات عالیات منتقل می‌کرد. بعضی مواقع این اشخاص ماه‌ها در ایران می‌ماندند تا تعداد بیشتری جنازه جمع‌آوری کرده و یک جا به عتبات حمل کنند. مالیات تدفین در عتبات به «دفینه» یا «ترابیه» شناخته می‌شد.[۵] طبق آماری که در ۱۳۴۰ـ۱۳۴۱ق/ ۱۹۱۲ــ۱۹۱۳م توسط اداره

---

۱. دیلک قایا، (۲۰۰۸)، *کربلاء فی الارشیف العثمانی* (۱۸۴۰ـ۱۸۷۶م) ترجمه عن التركیه: حازم سعید منتصر و مصطفی زهران، بیروت: الدار العربیه للموسوغات، صص۲۶۴ـ۲۶۳.

۲. همان، ص۲۶۶.

۳. همان، ص۲۶۳.

۴. همان، ص۲۶۴.

۵. *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ص۶۳.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

بهداشت عمومی عثمانی تهیه شد تعداد جنازه‌هایی که در نجف دفن شده بودند، بالغ بر ۷۵۵۸ نفر شده بود.[۱]

بر اساس صورت جلسه کابینه‌ی مجلس عثمانی در ۱۳۰۹ق/ اول ژوئن ۱۸۹۱م، در این سال مقدار وجوه جمع‌آوری شده مربوط به عوارض کفن و دفن، پس از کسر هزینه‌های حکومتی، ۲۰۰۰۰۰ قروش بوده است.[۲] سود حاصله از درآمد تدفین جنائز در عتبات عالیات برای دولت عثمانی آنقدر شیرین بود که چون میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر ایران در استانبول نسبت به بالا بودن هزینه‌های تدفین جنائز به دولت عثمانی اعتراض کرد، استانبول در برابر شکایت سفیر ایران از والی بغداد خواست که موضوع مالیات‌های جنائز را مورد بررسی قرار دهد و در این خصوص که لغو یا کاهش مالیات به خزانه ضرر می‌رساند یا نه، اطلاعاتی به دولت متبوع ارسال کند.[۳]

سخت‌گیری‌های مأمورین عثمانی به زوار و کاروان‌های حامل جنائز گرچه به بهانه‌ی مسائل بهداشتی و جلوگیری از امراضی چون وبا و طاعون بود، اما در واقع بخاطر سود سرشاری بود که بخشی از خزانه‌ی رو به اتمام دولت عثمانی را تأمین می‌کرد.

انتقال جنائز به نجف اشرف طی نسل‌های متعدد، این شهر را به صورت «شبه حج»[۴] درآورد و بر نفوذ مراجع و شیعیان در عراق افزود، اما با سقوط حکومت عثمانی و استقرار رژیم استعماری بریتانیا در عراق به تدریج حمل جنائز به عتبات عالیات خاتمه یافت. علمای تهران نیز با این استدلال که هزینه‌های کفن و دفن در کربلا قطع اسلام نیست و پول ناشی از آن به جیب بریتانیا ریخته می‌شود فتوا و احکامی صادر کردند،[۵] و شیعیان ایران را از انتقال جنائز به عتبات برای خاک‌سپاری نهی کردند،[۶] و در سال‌های پس از آن به تدریج مسیر انتقال جنازه‌ها از مقصد عتبات عالیات به مقصد مشهد مقدس و قم تغییر یافت.

---

۱. همان، ص۶۱.

۲. «*عش‌کشی به عتبات*»، ص۸۲.

۳. *کربلاء فی الارشیف العثمانی*، ص۲۶۵.

۴. *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ص۶۴.

۵. سیدهبه‌الدین شهرستانی در سال ۱۳۴۰ هجری /۱۹۱۲ میلادی نامه‌ای به مرجع عالی شیعیان و دیگر رهبران مذهبی نوشت و تقاضا کرد فتوایی در باره ممنوعیت حمل جنائز به عتبات صادر کنند. (نک: *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ص۶۲).

6. Nakhash, Yitzhak, The Shi'ism of Iraq, Princeton, N. J princeton university press, 2003, Chap 7, p.187.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

نتیجه

بررسی مسأله عتبات عالیات در مناسبات خارجی ایران نشان می‌دهد که ایـن موضـوع از نکات اصلی اختلاف ایران و عثمانی، و در همان حال، موجب پیوندی ناگسستنی شده بود که این دو کشور را از راه جغرافیای مقدس در دو سوی مرزی که مدام در حال شکل‌گیری بود، به هم متصل می‌کرد. با این‌که دولت عثمانی از رفت و آمد مداوم کاروان‌های زیارتی و حمل جنائز ایرانیان به عتبات عالیات ناراضی بود، اما منـافع مـالی ایـن تجـارت و سـود سرشار آن به آسانی قابل چشم‌پوشی نبود و اقتصاد شهرهای مقدس و همچنین ایالت بغداد به شدت تحت تأثیر این موضوع (رفت و آمد زوار و حمل جنائز) قرار داشـت. بـه مـرور زمان ثابت شد که این رابطه از پایدارترین فعالیت‌های اقتصادی ـ مـذهبی نـواحی مـرزی ایران و عثمانی بوده است، اما رفتار سخت و آزاردهنده مأموران عثمانی در مرزها نسبت به زائران، و بهانه‌گیری متعدد سران دولت عثمانی در حمل جنائز، مناسبات سیاسی دو کشـور ایران و عثمانی را در مرحله نزاع و بحران قرار می‌داد. این مسئله از موارد لاینحلی بود که تا پایان حکومت قاجاریه و سقوط عثمانی دو کشور را درگیر موضوع پیچیده عراق کرده، و حتی پس از تشکیل کشور مستقل عراق در روابط ایران و عراق ادامه پیدا کرد.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی:

ـ احتشام‌السلطنه، میرزا محمودخان، (۱۳۶۹)، *خاطرات*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.

ـ اوبن، اوژن، (۱۳۶۲)، *ایران امروز (۱۹۰۷ـ۱۹۰۶)*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

ـ بایندری، هانری، (۱۳۷۰)، *سفرنامه*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرا.

ـ جعفریان، رسول، (۱۳۷۳)، *میراث اسلامی ایران*، ج۳، قم: کتابخانه آیت‌اله مرعشی نجفی.

ـ طباطبایی مجد، غلامرضا، (۱۳۷۳)، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دورهٔ قاجاریه*، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.

ـ عیسوی، چارلز، (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستر.

ـ فرهاد معتمد، محمود، (بی‌تا)، *تاریخ روابط سیاسی ایران*، تهران: زوار.

ـ فهد نفیسی، عبدالله، (۱۳۶۴)، *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: امیرکبیر.

ـ قایا، دیلک، (۲۰۰۸)، *کربلاء فی الارشیف العثمانی (۱۸۴۰ـ۱۸۷۶)*، ترجمه عن‌الترکیه: حازم سعید منتصر و مصطفی زهران، بیروت: الدارالعربیه للموسوعات.

ـ واحد نشر اسناد (به کوشش)، (۱۳۶۹)، *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی*، ج۳، تهران: واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ـ لباف، زهیر، (۱۳۵۴)، *عراق و روابط آن با ایران*، تهران: علمی.

ـ مشایخ فریدنی، آذرمیدخت، (۱۳۶۹)، *مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دوکشور*، تهران: امیرکبیر.

ـ مشکوة السلطان، علی اکبر، (۱۳۷۶)، *مشکوة المسافرین*، به کوشش هاشم محدث، تهران: میراث اسلامی ایران.

ـ وقایع نگار کردستانی، (۱۲۸۴)، *جغرافیا و تاریخ کردستان، حدیقه ناصری و مرآت‌المظفر*، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران: توکی.

مقالات:

ـ آتش، صبری، «*نعش‌کشی به عتبات؛ رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی*» ترجمه نازلی کاموازی، ایران‌نامه، س۲۶، ش۱، ۲، ۲۰۱۰، صص۵۳۲ـ۵۱۲.

ـ دولتشاهی، بهروز و هاجر پهلوانی، «*بررسی نقش زیارت در سلامت روانی فرد*»، فصلنامه نقد و نظر، ش۱، ۲، ۱۳۸۴، ص۳۴۸.

ـ درینگیل، سلیم. ۱۳۸۴، «*مبارزه با تشیع در عراق دوران عبدالحمید دوم*»، بررسی موردی سیاست ضد تبلیغی عثمانی، ترجمه نصرالله صالحی، نامه تاریخ پژوهان، س۱، ش۲، ص۱۳.

- R. M. Burrell, The 1904 Epidemic of Cholera in Parsia: *"some Aspects of Qajar socity"*. (Stable URL: http://www jstor.org)

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]

نشریات:

ـ حبل‌المتین، سال هشتم، شماره ۳۴، ۱۳۱۸ هـ .ق

ـ اختر، س۱۵، ش۲۱، سال ۱۳۰۶ هـ .ق

اسناد:

ـ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، کارتن ۱۱ سند شماره ۱۶۲، سال ۱۲۹۰هـجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ، کارتن ۱۴، شماره سند ۱۸۵،سال ۱۲۹۱ هجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ، کارتن ۱۴، شماره سند ۲۲۴، سال۱۲۹۶هجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ، کارتن ۱، پرونده ۸، سال ۱۳۱۶ هجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ،کارتن ۱۴، سند شماره ۱۰۹، سال ۱۳۱۶ هجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ، کارتن ۱، پرونده ۸، سال ۱۳۱۸ هجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ، کارتن ۶، پرونده ۱۱،سال ۱۳۱۹هجری قمری.

ـ ـــــــــــــــ ، کارتن ۷، پرونده ۲۳،سال۱۳۲۰هجری قمری.

منابع لاتین:

- Centinsaya, Gokhon, Ottoman Administration of Iraq, 1890-1908, New York, by Routledge.
- Nahkash, Yitzhak, The Shi'ism of Iraq, Princeton, N. J. Princeton University 2003, chap 7.

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-26]